

متنوع سازی بازارهای تجاری و منطقه گرایی اقتصادی ایران

پذیرش: ۹۹/۱/۱۹

دریافت: ۹۸/۷/۶

احسان رسولی نژاد^۱، نویسنده مسئول
پریسا صبری^۲

چکیده

تولید ناخالص داخلی و تورم به عنوان ورودی های اقتصاد و نیز حجم تجارت با جهان، درجه باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی به عنوان سه خروجی کارایی بهتری طی سال های ۲۰۱۸-۲۰۰۰ نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا داشته است. لذا پیشنهاد می شود ظرفیت ها و مذاکرات جهت عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای در اولویت سیاست های تجارت خارجی کشور ایران قرار گیرد.

در این مقاله سعی می شود تا با استفاده از روش تلفیقی تحلیل پوششی داده ها- فرایند تحلیل سلسله مراتبی به کارایی سنجی و اولویت بندی پیوستن ایران به دو نهاد اقتصادی سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته شود. استفاده از روش کمی تحلیل پوششی داده ها، مشکل ناسازگاری در قضاوت خبرگان در مدل های کیفی همچون فرایند تحلیل سلسله مراتبی را رفع می کند. طبق نتایج به دست آمده سازمان همکاری شانگهای با در نظر گرفتن مساحت جغرافیایی، جمعیت نیروی کار، حجم

طبقه بندی JEL: F10, P25, C10

باز بودن تجاری / منطقه گرایی / اتحادیه اقتصادی اوراسیا / سازمان همکاری شانگهای

۱. مقدمه: طرح مسأله

دهکده جهانی طی دو دهه گذشته شاهد تغییراتی اساسی در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها بوده است. یکی از اهداف اصلی اقتصادی بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه، دستیابی به رشد اقتصادی با ثبات است. باز بودن تجاری و متنوع‌سازی بازارهای صادراتی از مسائلی هستند که همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند. آنها معتقدند باز بودن تجاری باعث بهبود عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی و در نتیجه تسریع رشد اقتصادی می‌شود. این امر در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به دلیل تک محصولی بودن صادرات آنها با مشکل روبه‌رو بوده است. هرچه متنوع‌سازی صادرات؛ افزایش تعداد کالاهای صادراتی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی، بیشتر باشد، آن کشور می‌تواند از طریق افزایش ارزش افزوده در فرایند تولید و بازاریابی و همچنین از طریق جایگزینی کالاهای ساخت داخل به جای واردات، رشد درآمدهای ارزی و در نهایت رشد اقتصادی را تجربه کند. ایران نیز از این قانده مستثنی نیست و تحت تحریم اقتصادی اردوگاه غرب به دلیل وابستگی بالا به صادرات نفتی و درآمدهای حاصل از آن، رشد اقتصادی منفی را تجربه کرده است. از طرفی مفهوم منطقه‌گرایی که در پی جهانی شدن و تجارت بین‌الملل به وجود آمده است، یکی از موضوعات مهم برای تعامل مؤثر در سطح بین‌الملل است. زیرا گرایش کشورها به عضویت در سازمان‌های تجاری و منطقه‌ای به منظور گسترش تجارت بین اعضا، افزایش رفاه اقتصادی کشورهای عضو و بهبود رشد اقتصادی در حال افزایش بوده و حضور در بازارهای بین‌المللی نیازمند مشارکت بین‌المللی است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای بر اساس معیارهای مختلف در بحث آزادسازی تجارت خارجی ایران و منطقه‌گرایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. ایران می‌تواند با عضویت در این دو مجمع اقتصادی ایجاد

همگرایی منطقه‌ای نموده و در نتیجه از فشار تحریم‌های اقتصادی غرب علیه خود بکاهد. با وجود توجه مطالعات پیشین همچون حاجی یوسفی و الوند (۱۳۸۷)، بزرگی و حسینی (۱۳۸۹)، میرفخرایی (۱۳۹۴)، کوشکی و حسینی (۱۳۹۶) و راوندی و مهکویی (۱۳۹۷)، به مسأله پیوستن ایران به مجامع اقتصادی منطقه‌ای، نویسندگان مقاله حاضر تحقیق انجام شده‌ای پیرامون اولویت‌بندی پیوستن به دو مجمع اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نیافتند. لذا این مقاله از لحاظ نوآوری، یافته‌های نوین و قابل استفاده برای محققان و خط‌مشی‌گذاران تجارت خارجی ایران خواهد داشت. ساختار این مقاله در ادامه به صورت زیر خواهد بود: بخش دوم مقاله به ادبیات موضوع در حوزه اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای اختصاص خواهد داشت. در بخش سوم، مبانی نظری تحقیق ارائه می‌شود. سپس پیشینه تحقیق ارائه می‌شود و در بخش پنجم، روش تحقیق توضیح داده می‌شود. یافته‌های تحقیق در فصل ششم عنوان می‌شود و در بخش آخر نتیجه‌گیری تحقیق بیان خواهد شد.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا به پیشنهاد نور سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ در خصوص تشکیل بلوک تجاری منطقه‌ای شکل گرفت. در سال ۲۰۰۰ بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را با هدف ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو به وجود آوردند که ازبکستان نیز در سال ۲۰۰۶ به آن پیوست. در سال ۲۰۰۷، روسیه، قزاقستان و بلاروس درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹، ابتدا توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک در خصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک (ایجاد کد مشترک به جای قوانین داخلی) صورت پذیرفت و در نهایت،

حرکت کند، به وسیله ابزارهای همین اتحادیه اوراسیایی تنبیه کند[۲]. گسترش یافتن روابط سیاسی ایران و روسیه در سال‌های اخیر باعث تمایل بیشتر دو کشور به برقراری و گسترش فعالیت‌های تجاری و اقتصادی شده است. در همین چارچوب توافقات دوجانبه‌ای میان ایران و هر پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا منعقد شده است. در پی تحریم‌های غرب و اروپا علیه روسیه، این کشور تمایل پیدا کرد تا واردات کالاهایی که از اتحادیه اروپا متوقف کرده بود، از طریق ایران از سر گیرد. بر اساس داده‌های سایت Trademap حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ میلادی رشد یافته است. طبق جدول (۱)، حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از حدود ۱۱۵۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی به رقم ۱۴۸۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی رسیده است. هر چند این روند در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ میلادی حرکت کاهشی داشته است.

جدول ۱- حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
ارمنستان	۵۶۹۶۵	۱۱۳۰۳۳	۱۰۲۱۱۰	۱۵۸۹۹۰
بلاروس	۱۶۰	۵۹۹۵	۴۰۲۲	۲۷۶۲
قزاقستان	۳۱۶۴۵	۶۸۵۰۰	۱۳۷۸۶۴	۱۳۱۴۰۳
قرقیزستان	۱۶۴۴۸	۴۰۱۸۵	۲۲۰۵۰	۳۳۷۳۹
روسیه	۶۰۱۶۱	۳۳۰۵۷۶	۱۷۳۱۴۹	۲۸۰۵۱۷
جمع کل	۱۶۵۳۷۹	۵۵۸۲۸۹	۴۳۹۱۹۵	۶۰۷۴۱۱

منبع: نویسندگان تحقیق از داده‌های Trade map

در مورد صادرات ایران به اعضای این اتحادیه، طبق داده‌های گردآوری شده از سایت Trade map که در جدول (۲) نمایش داده شده‌اند، حجم صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا رشد مثبت داشته است و از

توافقات مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و به این ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میان این سه کشور شروع به فعالیت کرد. نهایتاً در سال ۲۰۱۱، ولادیمیر پوتین از ایده تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط نظریای استقبال کرد و رئیس جمهوران بلاروس، قزاقستان و روسیه توافقیانه‌ای با هدف تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایجاد نموده و تا سال ۲۰۱۵ آن را به امضا رساندند. ارمنستان در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ و قرقیزستان در ۶ اوت ۲۰۱۵ به عضویت کامل اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآمدند. در حال حاضر، اعضای این اتحادیه روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان هستند که عضو اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز هستند. تاجیکستان، گرجستان، ازبکستان، مولداوی، اوکراین، پاکستان، ترکیه، ایران، چین و ویتنام نیز از دیگر گزینه‌های احتمالی عضویت در این اتحادیه اوراسیا هستند [۱]. در منطقه اوراسیا سه فرومنطقه قفقاز، آسیای مرکزی و حوزه بالتیک قرار دارند. هدف از همگرایی اوراسیایی هماهنگی و اتحاد دوباره این مناطق به لحاظ اقتصادی و سیاسی با یکدیگر است. ولی از اقدامات اخیر روسیه اینچنین برمی‌آید که سه کشور حوزه بالتیک یعنی استونی، لتونی و لیتوانی به دلیل عضویت آنها در اتحادیه اروپا و ناتو، موضوع این همگرایی نیستند. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه‌های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست‌های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل اعلام شده است. برای روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیشتر معنی و ارزشی سیاسی دارد تا اینکه مفهومی اقتصادی داشته باشد و سودهای کلی اقتصادی آن برای روس‌ها هنوز به شکل کامل مشخص نشده است. روسیه همچنین با توجه به تجربه اوکراین تمایل دارد تا هر کشور دیگری در منطقه را که بخواهد به سوی اتحاد با اروپا

رقم ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی، به ۴۳۹ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ میلادی و سپس به بیش از ۶۰۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی رسیده است.

جدول ۲- حجم صادرات ایران به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
ارمنستان	۳۸۱۹۴	۴۰۱۳۶	۱۳۲۷۶	۲۲۲۸۱
بلاروس	۲۵۲۸۲	۴۹۷۹۲	۲۴۹۷۱	۲۳۹۴۳
قزاقستان	۲۷۰۰۳۹	۱۲۳۹۵۵	۱۰۶۲۳۷	۸۷۰۶۸
قرقیزستان	۱۴۸۹۳	۱۲۱۴۲	۱۷۴۵	۱۱۳۷۵
روسیه	۸۰۵۶۹۴	۴۳۲۹۰۱	۵۷۶۵۵۲	۱۳۴۲۶۵۴
جمع کل	۱۱۵۴۱۰۲	۶۵۸۹۲۶	۷۲۲۷۸۱	۱۴۸۷۳۲۱

منبع: نویسندگان تحقیق از داده‌های Trade map

جدول ۳- حجم واردات ایران از اعضای سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
هند	۴۷۰۰۰۵	۱۲۷۰۵۹۱	۲۲۹۴۶۲۴	۲۶۵۰۲۰۰
چین	۷۱۹۸۷۰	۵۷۸۸۳۱۶	۱۰۴۷۳۰۹۱	۱۰۲۴۸۵۶۲
قزاقستان	۲۷۰۰۳۹	۱۲۳۹۵۵	۱۰۶۲۳۷	۸۷۰۶۸
قرقیزستان	۱۴۸۹۳	۱۲۱۴۲	۱۷۴۵	۱۱۳۷۵
روسیه	۸۰۵۶۹۴	۴۳۲۹۰۱	۵۷۶۵۵۲	۱۳۴۲۶۵۴
پاکستان	۵۸۴۶۷	۳۸۱۸۲۶	۲۲۵۸۸۶	۳۳۰۲۳۷
تاجیکستان	۱۲۱۵	۲۸۷۳۴	۲۳۱۸۷	۲۶۰۹۷
ازبکستان	۵۱۱۸۹	۹۶۶۲۲	۴۴۳۶۵	۴۶۹۹۹
جمع کل	۲۳۹۱۳۷۲	۸۱۳۵۰۸۷	۱۳۷۴۵۶۸۷	۱۴۷۴۳۱۹۲

منبع: نویسندگان تحقیق از داده‌های Trade map

گورباچف به چین باز می‌گردد زمانی که مذاکراتی در سطوح مقامات عالی برای حل و فصل اختلاف‌های مرزی میان آن دو آغاز شد. در واقع، پیمان شانگهای تشکیلاتی امنیتی و اتحادیه‌ای سیاسی است که همانند یکی از پیمان‌های اعتمادساز در منطقه موجودیت یافت. در تابستان ۲۰۰۱، پیمان شانگهای با هدایت ولادیمیر پوتین و جیانگ زمین، رؤسای جمهور وقت روسیه و چین، ازبکستان را به عضویت پذیرفت و نام پیمان به شکل رسمی به سازمان همکاری شانگهای تغییر یافت و اعضا هدف خود را تشویق همکاری میان خود و رسیدن به امنیت جمعی در آسیای مرکزی عنوان کردند [۳]. اعضای این سازمان متشکل از سه دسته می‌باشد: ۱- اعضای اصلی شامل: روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان ۲- اعضای ناظر، شامل: مغولستان، ایران، بلاروس و افغانستان. ۳- اعضای مورد گفتگو شامل: سریلانکا، ترکیه، نپال، کامبوج، آذربایجان و ارمنستان.

از لحاظ روابط تجاری ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای، جدول (۴) قابل مشاهده هستند.

جدول ۴- حجم صادرات ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
هند	۱۸۰۱۵۸	۱۸۲۱۶۹۸	۲۴۹۷۱۸۵	۲۰۴۲۹۲۲
چین	۱۷۳۹۷۵	۴۵۷۰۹۶۶	۷۲۳۰۳۸۵	۹۲۱۷۷۰۲
قزاقستان	۳۱۶۴۵	۶۸۵۰۰	۱۳۷۸۶۴	۱۳۱۴۰۳
قرقیزستان	۱۶۴۴۸	۴۰۱۸۵	۲۲۰۵۰	۳۳۷۳۹
روسیه	۶۰۱۶۱	۳۳۰۵۷۶	۱۷۳۱۴۹	۲۸۰۵۱۰
پاکستان	۷۹۵۱۶	۵۵۰۹۲۴	۶۳۹۱۳۵	۱۲۴۷۲۳۴
تاجیکستان	۳۵۸۸۸	۱۸۹۸۹۸	۱۵۱۱۹۸	۷۸۳۱۵
ازبکستان	۸۱۶۸۳	۶۷۴۷۴	۲۳۷۵۶۲	۱۴۰۹۵۰
جمع کل	۶۵۹۴۷۴	۷۶۴۰۲۲۱	۱۱۰۸۸۵۲۸	۱۳۱۷۲۷۷۵

منبع: نویسندگان تحقیق از داده‌های Trade map

سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای اولین سازمان بین‌المللی و امنیت جمعی است که مقرر آن در چین است. زمینه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به سال ۱۹۸۹ و سفر

طبق جدول (۳)، حجم واردات ایران از اعضای این سازمان از رقم بیش از ۲۳۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی به بیش از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. این در حالی است که حجم صادرات ایران به اعضای این سازمان نیز طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ میلادی نیز رشد فراوانی تجربه کرده است. به گونه‌ای که کشور ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای صادراتی به مبلغ بیش از ۶۵۹ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی و ۱۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی داشته است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

الف: مبانی نظری

در این قسمت رابطه بین باز بودن تجاری با رشد اقتصادی، تورم و بیکاری را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ارتباط بین درجه باز بودن تجاری و رشد اقتصادی

در متون اقتصادی در خصوص تأثیر مثبت تجارت خارجی بر نرخ رشد اقتصادی مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. طرفداران استراتژی توسعه صادرات معتقدند که افزایش در صادرات باعث بهبود بهره‌وری و در نهایت به رشد اقتصادی منجر خواهد شد. سوداگران در قرن ۱۶ معتقد بودند که ثروت یک ملت شامل ذخیره فلزهای قیمتی آن کشور است. آنها بر تراز تجاری مثبت تأکید داشتند که در آن باید میزان صادرات بیش از واردات باشد. تراز تجاری مثبت باعث افزایش در ورود فلزات قیمتی از سایر کشورها و در نتیجه افزایش در ثروت ملی یک کشور می‌شود. با توجه به این نکته که سوداگران بر این باورند که اقتصاد در شرایط کمتر از اشتغال کامل فعالیت می‌کند، در نتیجه افزایش در عرضه پول، اقتصاد را تحریک کرده و باعث رشد محصول می‌شود [۴]. نظریه کلاسیک‌ها، بعد از سوداگران، مهم‌ترین نظریه طرفدار اثر مثبت تجارت و باز بودن تجاری بر رشد تولید و بهره‌وری بود. طرفداران نظریه کلاسیک اعتقاد

داشتند که گسترش تجارت در بین کشورها باعث افزایش تخصص در تولید کالاها و خدمات و در نتیجه افزایش کارایی در بخش‌های صادرات محور شده و بنابراین موجب تخصیص مجدد منابع از بخش‌های با بهره‌وری کم‌تر به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر گردیده و در نهایت، از این طریق باعث افزایش در محصول و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد شد. اسمیت بیان کرد که تجارت بین‌الملل به توسعه بازار و تقسیم کار منجر می‌شود. به بیان دیگر، تجارت باعث تخصیص شدن افراد در تولید کالاها و خدمات شده که در نهایت به بهبود بهره‌وری و رشد تولید منجر خواهد شد [۵]. پس از اسمیت، ریکاردو تجارت بین‌الملل را در چارچوب نظریه ارزش کار خود مطرح نمود و نظریه معروف مزیت نسبی خود را ارائه کرد. از نظر ریکاردو مزیت نسبی زمانی وجود دارد که نیروی کار نسبی مورد نیاز برای تولید کالاها در دو کشور متفاوت باشد [۶]. به علت صادرات ناشی از مزیت نسبی در یک کشور، بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های صادرکننده افزایش یافته و باعث افزایش تولید می‌شود.

نواقص موجود در نظریه رشد کلاسیک در خصوص توضیح پدیده‌های مربوط به رشد کشورها باعث شکل‌گیری نظریه‌های رشد نئوکلاسیک شد. در الگوهای ابتدایی و ساده رشد نئوکلاسیکی مانند الگوی سلو فرض می‌شود که محصول با سه عامل سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی تولید می‌شود. در الگوهای اولیه نرخ رشد نیروی کار، نرخ پس‌انداز و پیشرفت تکنولوژی برون‌زا فرض می‌شود. به دلیل کاستی‌های موجود در مدل‌های اولیه رشد نئوکلاسیکی، الگوهای رشد درون‌زا توسط برخی اقتصاددانان مانند رومر [۷] و لوکاس [۸] مطرح شد. در این الگوها دانش و پیشرفت تکنولوژی درون‌زا در نظر گرفته می‌شود. برای درون‌زا نمودن عواملی که در الگوهای ساده نئوکلاسیکی برون‌زا فرض می‌شود رویکردها و روش‌های مختلفی توسط اقتصاددانان انتخاب شده که خارج از حوصله این نوشته می‌باشد. اما در حالت کلی می‌توان با استفاده از الگوهای رشد درون‌زا برای

اقتصاد باز نشان داد که آزادسازی از طریق ایجاد تنوع و بهبود کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، ارتقای دانش و تکنولوژی، بهبود اثرات یادگیری ضمن کار و توسعه بازار می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. به‌طور مثال یانگ [۹]، در مقاله خود بیان می‌کند که کشورهایی که فعالیت‌های خود را با تکیه بر یادگیری ضمن کار و تجارت انجام می‌دهند، در تولید این محصولات و خدمات تخصص پیدا کرده و با آزادسازی تجاری به دلیل ورود نهاده‌های واسطه‌ای کارآمدتر و در پی آن افزایش در بهره‌وری تولید، به رشد اقتصادی بالاتری دست پیدا خواهند کرد.

ارتباط بین درجه باز بودن تجاری و تورم

در یک اقتصاد بسته، سیاست پولی انبساطی می‌تواند تحت شرایطی به مازاد تقاضا در اقتصاد منجر شده و در نتیجه باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود. در یک اقتصاد باز، فشار برای افزایش قیمت‌ها می‌تواند از طریق واردات و در نتیجه توسط تغییر در تراز پرداخت‌ها کاهش یابد. در واقع، باز بودن تجاری ممکن است بخشی از فشار تورمی را به تراز پرداخت‌ها منتقل کرده و در نتیجه، افزایش متوسط در سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد بازتر کمتر از اقتصاد بسته‌تر باشد. به بیان دیگر، هر چه اقتصاد بازتر باشد، میزان تغییر در تراز پرداخت‌ها برای از بین بردن فشار تورمی بیشتر خواهد بود، لذا انتظار می‌رود که در اقتصادهای بازتر، تورم کمتری وجود داشته باشد [۱۰].

ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم را می‌توان بر اساس مدل بارو-گوردون [۱۱] بررسی نمود، به‌گونه‌ای که افزایش غیرقابل پیش‌بینی در حجم پول باعث افزایش تورم می‌شود. رومر (۱۹۹۳)، بر اساس این مدل، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که تورم در کشورهای بزرگ‌تر و بسته‌تر بیشتر است. در این الگو، افزایش در نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان معیار باز بودن تجاری در نظر گرفته می‌شود. رومر نشان می‌دهد که افزایش غیرقابل پیش‌بینی در حجم

پول، باعث افزایش در قیمت‌ها و محصول می‌شود. وی نشان می‌دهد که اگر مقامات پولی بخواهند با استفاده از افزایش غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده در حجم پول بر اقتصاد خود تأثیر بگذارند، در کشورهایی که بازتر هستند، متوسط افزایش در حجم پول کمتر و در نتیجه نرخ‌های متوسط تورم نیز کمتر است.

ارتباط بین درجه باز بودن تجاری و اشتغال

در متون تجارت بین‌الملل نظریات متعددی با استفاده از تفاوت در فراوانی مطلق و نسبی عوامل تولید، تفاوت تکنولوژیک، تجارت استراتژیک، تجارت درون صنعتی و بین صنعتی برای توضیح علت تجارت و جریان تجاری [۱۲] میان کشورها شکل گرفته است. دیدگاه سنتی بر تفاوت در فراوانی نسبی عوامل تولید به‌عنوان علت شکل‌گیری تجارت و جریان تجاری تأکید می‌نماید. در این دیدگاه، تجارت خارجی باعث تغییر در قیمت نسبی نهاده‌ها و عوامل تولید در کشورهای طرف مبادله و تغییر در تقاضای نسبی عوامل تولید در این کشورها خواهد شد. اصلی‌ترین نظریه سنتی که به بررسی ارتباط بین تجارت و قیمت نسبی کالاها و همچنین قیمت نسبی عوامل تولید در بین کشورها می‌پردازد، نظریه هکچرو اوهلین است. در ساده‌ترین حالت طبق نظریه هکچرو اوهلین هر کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن از عامل فراوان‌تر تولید به‌طور نسبی بیشتر استفاده شده باشد. بنابراین، تجارت باعث افزایش قیمت نیروی کار در کشورهایی خواهد شد که دارای فراوانی نسبی کار هستند (کشورهای در حال توسعه). در نظریه استولپر-ساموئلسون فروض استاندارد هکچرو اوهلین استفاده شده و فرض می‌شود که دو کالا، دو کشور و دو عامل تولید، کار و سرمایه، وجود دارد. توابع تولید برای هر کالا در دو کشور یکسان است. همچنین، فرض می‌شود که رقابت کامل و تحرک کامل عوامل تولید وجود دارد [۱۳]. تجارت بین‌الملل باعث می‌شود که در هر کشور تولید کالایی که به‌طور نسبی

دوژوره و دوفاکتو اتفاق بیفتند. نمونه دوژوره (رسمی) آن در منطقه اروپا در قالب اتحادیه اروپایی محقق شده است و نمونه دوفاکتو (عملی) آن در منطقه آسیا در قالب آسه آن اتفاق افتاده است. بنابراین، منطقه‌گرایی‌های اقتصادی تنها بیانگر تلاش برای افزایش رشد اقتصادی یا اهداف اقتصادی دیگر نیست، بلکه همچنین بیانگر تلاش برای به‌دست آوردن میزانی از کنترل سیاسی بر فرایندهای جهانی شدن اقتصادی است که ابزارهای سیاست‌گذاری ملی را کم‌تأثیر کرده است. بنابراین، آثار اقتصادی منطقه‌گرایی دوفاکتو یا دوژوره هم می‌تواند به رقابت بازار و آزادسازی تجاری کمک کند و هم می‌تواند موانعی را برای آن به وجود آورد [۱۶].

ب: پیشینه تحقیق

پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلفی به بررسی باز بودن تجاری و متنوع‌سازی بازارهای صادراتی پرداخته‌اند در این بخش می‌توان پژوهش‌های انجام شده پیشین را به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول مطالعاتی هستند که به پژوهش درباره این مفاهیم در خارج از کشور پرداخته‌اند. گروه دوم شامل آن دسته از مطالعاتی است که به بررسی باز بودن اقتصاد در داخل کشور پرداخته‌اند.

به‌طور کلی، پژوهش‌های انجام شده در خارج به سه گروه تقسیم می‌شود. گروه اول رابطه میان باز بودن اقتصاد و تورم را مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌طور نمونه رومر [۱۷] (۱۹۹۳)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر باز بودن تجاری بر تورم در نمونه‌ای شامل ۱۱۴ کشور از سال ۱۹۷۳ به بعد می‌پردازد. یافته‌های وی نشان می‌دهد که نرخ تورم در کشورهای بازتر و کوچک‌تر، کمتر است. ترا [۱۸] (۱۹۹۸)، با به‌کارگیری روش رومر برای ۱۱۴ کشور ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم را بررسی کرده و همان نتایج را به‌دست آورده است. وی نشان می‌دهد که نتایج به‌دست آمده توسط رومر تنها برای کشورهای با بدهی بالا در دوران بحران بدهی‌ها صادق است و آن رابطه

از عامل تولید فراوان‌تر استفاده می‌کند افزایش یافته و تولید کالایی که به‌طور نسبی از عامل کمیاب‌تر تولید بیشتر استفاده می‌کند کاهش یابد. در نهایت، تمایل به سمت برابری جزیی [۱۴] قیمت عوامل تولید در دو کشور، به کاهش قیمت عامل کمیاب‌تر نسبت به قیمت عامل فراوان‌تر تولید منجر خواهد شد.

با توجه به موارد پیش‌گفته و به‌کارگیری روش واکنش ضربه‌ای جین [۱۵] (۲۰۰۶)، الگوهای زیر برای بررسی ارتباط میان باز بودن تجاری و سه متغیر رشد اقتصادی، تورم و رشد اشتغال مورد استفاده قرار خواهند گرفت:

$$GDP = f(EMP, CPI, OPEN)$$

$$EMP = f(GDP, CPI, OPEN)$$

$$CPI = f(EMP, GDP, OPEN)$$

$$OPEN = f(EMP, GDP, CPI)$$

که در آن، GDP تولید ناخالص داخلی، CPI شاخص قیمت مصرف‌کننده، OPEN شاخص باز بودن تجاری و EMP اشتغال است. به‌طور مشخص برای بررسی اثرات تغییر در درجه باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی، تورم و رشد اشتغال از توابع واکنش ضربه‌ای استفاده می‌شود.

منطقه‌گرایی و جهانی شدن به‌عنوان فرایندهای موازی

منطقه‌گرایی و جهانی شدن متضاد یکدیگر نیستند. جهانی شدن یک فرایند برگشت‌ناپذیر نیست، همان‌گونه که برخی از اقتصاددانان لیبرال بر آن تأکید دارند. همچنین همان‌گونه که برخی از نومرکانالیست‌ها استدلال کرده‌اند، با پایان جنگ سرد جهان به بلوکه‌ای اقتصادی رقیب تبدیل نشد. بنابراین جهانی شدن و منطقه‌گرایی دو فرایند موازی با یکدیگر هستند که به‌طور هم‌زمان شکل می‌گیرند و یکدیگر را تقویت می‌کنند. مؤلفه‌های جهانی و منطقه‌ای به‌شدت در هم تنیده شده‌اند و این امر در حوزه اقتصاد سیاسی بسیار مشهود است. همان‌طور که پیتر کتزنتسین اشاره می‌کند همگرایی منطقه‌ای می‌تواند به دو صورت

منفی و معنی دار قوی تنها در این دسته از کشورها مشاهده شده است. ساکسیدا و دیگران [۱۹] (۲۰۰۳)، با استفاده از داده‌های ترکیبی ۱۵۲ کشور و به کارگیری روش رومر (۱۹۹۳)، به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ای منفی و معنی دار بین باز بودن تجاری و تورم وجود دارد.

بادلر [۲۰] (۲۰۰۳)، با استفاده از شیب منحنی فیلیپس [۲۱]، به بررسی اثر باز بودن تجاری بر تورم می‌پردازد. نتایج وی نشان می‌دهد که ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم در کوتاه مدت برعکس می‌باشد. دانیلز و وان هوز [۲۲] (۲۰۰۴)، به بررسی ارتباط بین باز بودن تجاری، تورم و نسبت در آمد از دست رفته [۲۳] می‌پردازد و نشان می‌دهد که باز بودن تجاری به کاهش در تورم منتهی می‌شود.

کوک [۲۴] (۲۰۰۴)، با به کارگیری یک مدل تعادل عمومی [۲۵] در یک اقتصاد کوچک باز ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که اگر تورم تنها تابعی از تراز حقیقی در نظر گرفته شود، رابطه بین تورم و باز بودن تجاری برعکس است. اما اگر تورم را تابعی از تراز حقیقی و مصرف فرض کنیم، در این صورت این رابطه به تقاضای خارجی نیز بستگی خواهد داشت.

آلفارو [۲۶] (۲۰۰۵)، به آزمون نتایج حاصل از مطالعه رومر (۱۹۹۳) با استفاده از داده‌های ترکیبی مربوط به ۱۳۰ کشور در دوره ۱۹۷۳-۱۹۹۸ می‌پردازد و نشان می‌دهد که باز بودن تجاری بر تورم در کوتاه مدت اثری ندارد. باریو و فیلاردو [۲۷] (۲۰۰۷)، به بررسی اثر جهانی شدن بر روی تورم می‌پردازند. آنها با توجه به کاهش نرخ تورم و باثبات‌تر شدن آن در سال‌های اخیر در بیشتر کشورهای دنیا نتیجه می‌گیرند که علاوه بر سیاست‌های پولی، عامل هم‌پارچگی و جهانی شدن نیز بر روی کاهش تورم در کشورهای مختلف تأثیر داشته است.

گروه دیگری از پژوهشگران رابطه میان باز بودن اقتصاد و اشتغال را بررسی نموده‌اند. برای مثال لوینسون [۲۸] (۱۹۹۹)، به بررسی تأثیر آزادسازی تجارت بر اشتغال در دوره

۱۹۷۹-۱۹۹۶ در کشور شیلی می‌پردازد. از جمله نتایج این پژوهش این است که اشتغال به اندازه بنگاه و فعالیت‌های تجاری ارتباط دارد. در این مقاله تکانه‌ها در متغیرهای کلان و آزادسازی تجاری به کاهش اشتغال در صنایع تولیدی منجر شده است. گرین و همکاران [۲۹] (۲۰۰۱) تأثیر آزادسازی تجاری بر بازار کار برزیل را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله نتایج به دست آمده در این پژوهش این است که بازدهی آموزش دانشگاهی بعد از آزادسازی تجاری و با ورود فناوری جدید بیشتر شده و تقاضای نسبی برای نیروی کار ماهر را افزایش داده است.

ارتبا [۳۰] (۲۰۰۲)، به بررسی تأثیر جهانی شدن بر ساختار و میزان اشتغال در کشور فیلیپین می‌پردازد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اثر مجموع صادرات و واردات بر اشتغال مثبت است. هاووس و همکاران [۳۱] (۲۰۰۲) به بررسی تأثیر تجارت آزاد بر اشتغال و دستمزدها در صنایع تونس برای بخش‌های واردات محور و صادرات محور در این کشور می‌پردازند. آنها نتیجه می‌گیرند که اگر کالای صادراتی کاربر باشد، کاهش تعرفه‌ها و آزادسازی تجاری باعث افزایش تقاضای عامل فراوان تولید یعنی نیروی کار می‌شود. کارنیرو و آرباچه [۳۲] (۲۰۰۳)، با به کارگیری یک مدل تعادل عمومی [۳۳] به بررسی تأثیر توسعه صادرات بر متغیرهای کلان و اشتغال در کشور برزیل می‌پردازند. نتایج آنها نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری از طریق افزایش محصول باعث بیشتر شدن رفاه اقتصادی، کاهش قیمت‌های داخلی و افزایش اشتغال می‌شود. جارمیلو و تاوور [۳۴] (۲۰۰۶)، رابطه بین تجارت و بازار کار در بخش‌های مختلف کشور کلمبیا را مورد بررسی قرار می‌دهند. این پژوهشگران از نرخ‌های تعرفه به عنوان معیاری برای آزادسازی تجاری استفاده می‌کنند. نتایج آنها نشان می‌دهد که یک ارتباط مثبت میان افزایش تعرفه و اشتغال برای کالاهای تجاری در هر بخش وجود دارد. گروه سوم رابطه میان باز بودن و رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، بهمنی اسکویی و نیرومند [۳۵]

(۱۹۹۹)، در نمونه‌ای شامل ۵۹ کشور شامل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در طول دوره ۱۹۸۱-۱۹۹۲ ارتباط میان رشد اقتصادی و درجه باز بودن تجاری را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار میان رشد اقتصادی و درجه باز بودن تجاری در این کشورها وجود دارد. لوید و مک لارن [۳۶] (۲۰۰۰)، اثر باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی را در کشورهای آسیای شرقی پس از دوران بحران اقتصادی بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که باز بودن نسبت به تجارت کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) [۳۷] اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

یانی کایا [۳۸] (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای ارتباط بین باز بودن تجاری و رشد اقتصادی را در نمونه‌ای شامل هر دو دسته کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور وی دو دسته معیارهای متفاوت باز بودن تجاری را در نظر می‌گیرد. دسته اول شامل معیارهای متداول مربوط به حجم تجارت است. نتایج نشان می‌دهد که این معیارها اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. دسته دیگر از معیارهای باز بودن تجاری بر اساس محدودیت‌های تجاری تعریف شده و شامل عوارض گمرکی واردات، عوارض بر صادرات و مالیات بر تجارت بین‌الملل است. نتایج دوباره نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین باز بودن بر اساس معیار دوم با رشد اقتصادی است.

یان لی و دیگران [۳۹] (۲۰۰۴)، با استفاده از داده‌های ترکیبی مربوط به ۱۰۰ کشور به بررسی ارتباط بین باز بودن تجاری و رشد می‌پردازند. برای این منظور از پنج معیار باز بودن تجاری استفاده نموده و نشان می‌دهند که باز بودن تجاری اثر اندک و وضعیفی بر رشد اقتصادی دارد.

جین (۲۰۰۶)، اثرات افزایش در باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی بر روی نرخ رشد محصول و رشد سطح عمومی قیمت‌ها برای دو کشور ژاپن و کره را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای بررسی اثرات تغییر در درجه باز بودن تجاری

بر رشد و تورم، توابع واکنش ضربه‌ای [۴۰] را به کار می‌برد. در هر دو کشور، شوک‌های باز بودن تجاری اثرات منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی و تورم در کوتاه‌مدت دارد. اما هیچ اثری در بلندمدت مشاهده نشده است. معیارهای باز بودن در بازارهای مالی اثرات منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی و تورم در کره دارند، اما اثرات این معیارها در ژاپن بی‌معناست. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که باز شدن بیشتر اقتصاد می‌تواند باعث رکود اقتصادی یک کشور در کوتاه‌مدت شود.

پژوهش‌های داخلی به‌طور کلی، کارهای انجام شده برای ایران در بیشتر موارد بر روی دو محور رابطه میان باز بودن تجاری و رشد اقتصادی و ارتباط میان باز شدن اقتصاد و اشتغال متمرکز شده است. در ادامه به برخی کارهای انجام شده برای ایران در این زمینه اشاره خواهیم کرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های انجام شده در کشور به ارتباط میان باز بودن تجاری و تورم توجه لازم نشده، و تأثیر همزمان باز بودن تجاری بر روی رشد، تورم و اشتغال نیز مورد بررسی قرار نگرفته است که در این پژوهش به این موضوع می‌پردازیم.

ضرغامی (۱۳۷۰)، به بررسی تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی برای اقتصاد ایران در دوره ۱۳۶۵ - ۱۳۴۱ می‌پردازد. یافته‌های وی نشان می‌دهد که نرخ رشد اقتصادی بلندمدت در شرایط وجود تجارت خارجی بیشتر از نرخ رشد بدون تجارت خارجی است. جلالی‌نائینی و محمدی (۱۳۷۵)، با به‌کارگیری داده‌های ترکیبی در دوره ۱۳۳۸ - ۱۳۷۱ در کشورهای نفت‌خیز از جمله ایران، رابطه رشد اقتصادی و تجارت خارجی را مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج آنها نشان می‌دهد که صادرات به افزایش رشد اقتصادی در کشورهای نفت‌خیز منتهی می‌شود. اما این اثر در این دسته کشورها نسبت به کشورهای صنعتی کوچک‌تر است. در ضمن نشان می‌دهند که اعمال محدودیت‌های وارداتی باعث کاهش رشد می‌شود.

حیدری (۱۳۸۱)، در پایان نامه خود با استفاده از یک الگوی خود توضیح برداری به بررسی رابطه علی کوتاه مدت و بلندمدت بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران می پردازد. نتایج نشان می دهد، در بلندمدت ارتباط علی دو طرفه میان رشد صادرات، رشد واردات و رشد تولید ناخالص داخلی وجود دارد. در ادامه، وی در الگویی دیگر به بررسی ارتباط علی میان صادرات غیرنفتی، واردات و تولید ناخالص داخلی بدون نفت می پردازد. نتایج مربوط به علیت بلندمدت برای الگوی دوم نشان می دهد که رشد صادرات غیرنفتی و رشد واردات در بلندمدت علیت گرنجری رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت است و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت و رشد واردات علت گرنجری بلندمدت رشد صادرات غیرنفتی می باشد. همچنین، رشد صادرات غیرنفتی و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت علت گرنجری بلندمدت رشد واردات نمی باشد.

فرهادی (۱۳۸۳)، در مقاله خود با استفاده از برآورد الگو برای دوره ۱۳۸۰-۱۳۴۵ با به کارگیری روش خودتوضیح با وقفه های توزیعی (ARDL) نشان می دهد که افزایش در درجه باز بودن تجاری بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی اثر مثبت دارد.

سلیمانی و یآوری (۱۳۸۳)، با به کارگیری داده های ترکیبی نامتوازن [۴۱] برای کشورهای صادرکننده نفت در دوره ۱۹۶۰-۱۹۹۹ به بررسی ارتباط سیاست تجاری و رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی می پردازند. نتایج آنها نشان می دهد که افزایش در درجه باز بودن تجاری به افزایش رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت منتهی می شود و محدودیت های تجاری رشد اقتصادی این کشورها را کاهش داده است. همچنین، نشان می دهند که سرمایه گذاری فیزیکی، سرمایه انسانی، تغییر رابطه مبادله، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، صادرات صنایع کارخانه ای و رشد صادرات اثر مثبت و مخارج دولت و تورم اثر منفی بر

رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارند.

در خصوص رابطه میان تجارت و اشتغال نیز پژوهش هایی در ایران انجام شده است. به طور نمونه جهانگرد و محبوب (۱۳۷۹) با استفاده از مدل داده - ستانده تأثیر تجارت خارجی بر تقاضای نیروهای کار متخصص و غیرمتخصص در ایران را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج آنها نشان می دهد که نسبت نیروی کار متخصص به نیروی کار غیرمتخصص برای صادرات در مقایسه با واردات در دوره ۱۳۷۰-۱۳۶۵ افزایش یافته اما در دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۰ کم شده است.

کميجانی و قويدل (۱۳۸۵)، به بررسی تأثیر باز بودن تجاری بر بازار کار و اشتغال برای اقتصاد ایران پرداخته اند. آنها در پژوهش خود، تابع تقاضا برای نیروی کار ماهر و غیرماهر را برای اقتصاد با نفت و بدون نفت برآورد کرده اند. نتایج آنها نشان می دهد که بین آزادسازی تجاری و اشتغال در بلندمدت ارتباطی وجود ندارد. اما در کوتاه مدت افزایش در درجه باز بودن اقتصاد به افزایش اشتغال منتهی می شود، به گونه ای که نقش آن در اشتغال نیروی کار ماهر بیش از نیروی کار غیرماهر و در اقتصاد همراه با نفت بیشتر از اقتصاد بدون نفت است.

صامتی و دیگران (۱۳۸۷)، با استفاده از سه معیار جهانی شدن یعنی آزادسازی تجاری و اشتغال، آزادسازی، همگرایی مالی و اشتغال و فناوری و اشتغال به بررسی ارتباط جهانی شدن و اشتغال در کشورهای اندونزی، تایلند، فیلیپین، مالزی و ایران می پردازند. این مطالعه نشان می دهد که کشش اشتغال نسبت تولید ناخالص داخلی هر کشور و نیز نسبت به درجه باز بودن اقتصاد مثبت است.

در خصوص رابطه میان باز شدن اقتصاد و تورم، طیب نیا و زندیه (۱۳۸۸)، به بررسی مبانی نظری اثرگذاری جهانی شدن بر تورم و سپس آزمون اثرپذیری تورم ایران از جهانی شدن پرداخته اند. برای این منظور از داده های فصلی در دوره ۱۳۸۴-۱۳۶۷ و روش برآورد خودرگرسیون برداری (VAR) برای برآورد مدل استفاده کرده اند. یافته های آنها

ST:

$$\frac{\sum_{r=1}^s u_r y_{rA}}{\sum_{i=1}^m v_i x_{iA}} \leq 1 \quad (2)$$

$$\frac{\sum_{r=1}^s u_r y_{rB}}{\sum_{i=1}^m v_i x_{iB}} \leq 1 \quad (3)$$

$$u_r, v_i \geq 0 \quad r = 1, 2, \dots, s \quad i = 1, 2, \dots, m$$

جهت خطی سازی مدل ذکر شده در بالا،

$$\sum_{i=1}^m v_i x_{iA} = 1$$

بهینه EAA به دست می آید:

$$E_{AA} = \text{Max } Z_{AA} = \quad (4)$$

$$\sum_{r=1}^s u_r y_{rA}$$

ST:

$$\sum_{i=1}^m v_i x_{iA} = 1 \quad (5)$$

$$\sum_{r=1}^s u_r y_{rB} \leq 1 \quad (6)$$

$$\sum u_r y_{rB} - \sum v_i x_{iB} \leq 0 \quad (7)$$

مدل تعریف شده تحلیل پوششی داده ها دارای s+m

متغیر و سه محدودیت است. همچون مدل بالا می تواند

محاسبه کارایی متقاطع (EBA) که همانا مقدار بهینه

ارزیابی واحد B است، نیز محاسبه شود. علاوه بر محاسبه

EAA و EBA، دو کارایی EBB و EAB نیز به همین روش

به دست می آیند. با داشتن این چهار کارایی، می توان

ماتریس مقایسات زوجی روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی

را به صورت هر عنصر a_{ij} ماتریس با فرمول زیر محاسبه کرد:

$$a_{jk} = \frac{E_{jj} + E_{jk}}{E_{kk} + E_{kj}} \quad (8)$$

بر اساس ماتریس مقایسات زوجی حاصل از محاسبه

عناصر مختلف از رابطه (8)، فرایند سلسله مراتبی جهت

استخراج مقادیر ویژه (λ_{max}) و بردار ویژه استفاده می شود.

در رتبه بندی نهایی، سازمان اقتصادی دارای رتبه بالاتر

می شود که بیشتر مقدار بردار ویژه را کسب کرده باشد.

نشان می دهد که هرچه اقتصاد ایران بازتر باشد، انتظار

می رود اثرپذیری تورم از سیکل های تجاری داخلی کاهش

یافته و تورم مسیر کم نوسان تری داشته باشد. افزون بر این،

افزایش قیمت نسبی کالاهای وارداتی مانند شوک عرضه

در اقتصاد عمل کرده و تورم را افزایش می دهد. همچنین،

رونق و رکود شرکای تجاری ایران از طریق تجارت به ایران نیز

منتقل شده و تورم داخلی را تحت تأثیر قرار می دهد.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توسعه ای و کاربردی بوده و روش انجام

آن، تلفیق تکنیک تحلیل پوششی داده ها (Data Devel-

opment Analysis (DEA)) جهت کارایی سنجی و روش

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) جهت اولویت بندی

سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

جهت پیوستن ایران خواهد بود. تکنیک تحلیل پوششی

داده ها که مبتنی بر داده های کمی است، گزینه های مورد

پژوهش را بر اساس مقدار کارایی به واحدهای کارا یا ناکارا

تقسیم بندی می کند. این روش در تلفیق با فرایند تحلیل

سلسله مراتبی به صورت مدل دو رویکردی DEA-AHP در

می آید که در رویکرد نخست، الگوی تحلیل پوششی داده ها

برای گزینه های مورد نظر حل شده و سپس بر اساس خروجی

این تکنیک، رویکرد دوم فرایند تحلیل سلسله مراتبی جهت

رتبه بندی کامل گزینه ها اجرا می شود. بنابراین در مرحله اول

نیاز به تشکیل ماتریس مقایسات زوجی مبتنی بر مدل DEA

است. فرض می شود n سازمان اقتصادی با m ورودی و s

خروجی وجود دارد. X_{ij} ورودی i ام واحد j ام و Y_{rj} خروجی

r ام از واحد j ام است. برای هر زوج از واحدهای A و B مدل

کلاسیک بازده به مقیاس ثابت به صورت زیر در نظر گرفته

شده و پاسخ بهینه برای آن محاسبه می شود:

$$\text{Max } Z_{AA} = \frac{\sum_{r=1}^s u_r y_{rA}}{\sum_{i=1}^m v_i x_{iA}} \quad (1)$$

همچنین انجام محاسبات بخش تحلیل پوششی داده‌ها با نرم‌افزار Gamz 11 و مراحل مربوط به روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی توسط نرم‌افزار Expert Choice 11 انجام می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند. ابتدا نویسندگان به مطالعه مقالات و پژوهش‌های پیشین پرداخته و ۵۶ شاخص مختلف مرتبط با کارایی یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای استخراج گردید. سپس روایی شاخص‌های استخراج شده با نظرسنجی از تعدادی خبره و متخصص مباحث تجارت بین‌الملل مورد سنجش قرار گرفت و در نهایت براساس منطق وجود داده‌های واقعی شاخص‌ها و شباهت محتوایی، چهار شاخص مساحت جغرافیایی، جمعیت نیروی کار، حجم تولید ناخالص داخلی و تورم به عنوان ورودی و حجم تجارت با جهان، درجه باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی به عنوان سه خروجی انتخاب شدند (جدول ۵).

جدول ۵- ورودی و خروجی منتخب جهت روش تحلیل پوششی

داده

ورودی‌ها	خروجی‌ها
الف. مساحت جغرافیایی (a1) ب. جمعیت نیروی کار (a2) ج. حجم تولید ناخالص داخلی (a3) د. تورم (a4)	الف. حجم تجارت با جهان (b1) ب. درجه باز بودن تجاری (b2) ج. درجه باز بودن مالی (b3)

منبع: نویسندگان تحقیق

شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. همچنین باید به این نکته مثبت از روش تلفیق DEA و AHP اشاره نمود که چون آرایه ماتریس‌های مقایسات زوجی بدون قضاوت کیفی خبرگان بوده است. بنابراین عملاً ماتریس‌ها سازگار بوده و نیازی به بررسی سازگاری در نتایج روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی نخواهیم داشت. رتبه‌بندی حاصل شده در جدول (۵) ذکر شده است. طبق نتایج، سازمان همکاری شانگهای با اخذ وزن نهایی ۰/۰۷۳۲۹ رتبه اول و در مقابل اتحادیه اقتصادی اوراسیا با وزن نهایی ۰/۰۳۸۲۱ رتبه دوم را به دست آورده است.

طبق جدول (۶)، تفاوت بالای وزن نهایی دو سازمان نشان از کارایی محسوس‌تر سازمان همکاری شانگهای نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد.

جدول ۶- ورودی و خروجی منتخب جهت روش تحلیل پوششی

داده

رتبه (اولویت)	گزینه	وزن نهایی
۱	سازمان همکاری شانگهای	۰/۰۷۳۲۹
۲	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۰۳۸۲۱

منبع: نویسندگان تحقیق

۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

متنوع‌سازی بازارهای تجاری یکی از سیاست‌های کاربردی کشور ایران در شرایط فعلی تحریم‌های غرب علیه این کشور است. این سیاست از سویی چندجانبه‌گرایی تجارت خارجی را برای کشور ایران به وجود می‌آورد و از سویی دیگر به معنای درجه بالاتر باز بودن تجاری و سیالیت بیشتر کالاها و خدمات از سایر کشورهای جهان است. این مقاله با در نظر گرفتن اهمیت چنین موضوعی، به اولویت‌سنجی پیوستن ایران به دو نهاد اقتصادی سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته است. با وجود آنکه پیوستن همزمان به هر دو می‌تواند به معنای مثبت در

هر عنصر ماتریس مقایسات زوجی روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی، از محاسبه چهار مدل تحلیل پوششی داده‌ها حاصل می‌شود. در مرحله بعد، ماتریس مقایسات زوجی به دست آمده از روش تحلیل پوششی داده‌ها را نرمال کرده و سپس بردار ویژه ماتریس محاسبه می‌شود که این بردار نشان‌دهنده وزن نهایی هر یک از دو سازمان همکاری

۲. میرفخرایی، سیدحسن، ۱۳۹۴.

۳. بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹.

4. Appleyard and Field (1995). PP. 19-22.
5. Ibid. pp. 24-26.
6. Ibid. p. 33.
7. Romer, Paul, 1986.
8. Lucas, Robert, 1988.
9. Young (1991). PP.404-405.
10. Rogoff, 1985.
11. Barro and Gordon, 1983.
12. Pattern of trade.
13. Stolper and Samuelson. (1941). p.60.
14. Partial Equalization.
15. Jin. (2006 a).
16. Katzenstein, Peter J, 1996.
17. Romer.
18. Terra.
19. Sachsida et. al.
20. Bowdler.
21. Phillips Curve.
22. Daniels and Van Hoose.
23. Sacrifice Ratio.
24. Cooke.
25. General Equilibrium Model.
26. Alfaro.
27. Barrio and Filardo, 2007.
28. Levinsohn.
29. Green et. al.
30. Orbeta, A. C., 2002.
31. Haouas et. al.
32. Carneiro and Arbache.
33. General Equilibrium Model.
34. Jarmillo and Tover.
35. Bahmani- Oskooee and Niroomand.
36. Loyd and McLaren.
37. Foreign Direct Investment (FDI).
38. Yanikkaya.
39. Yan Lee et. al.
40. Impulse Response Functions (IRFs).
41. Unbalanced Panel Data.

مباحث تجارت خارجی ایران باشد، اما کارایی سنجی چنین سازمان‌هایی می‌تواند برنامه و خط‌مشی مشخص‌تری در اختیار مدیران و تصمیم‌سازان کلان اقتصاد کشور گذارد تا ظرفیت‌ها و تلاش‌های خود را جهت پیوستن سریع‌تر به نهاد اقتصادی کارا تر به کار گیرند.

جهت کارایی سنجی و اولویت‌دهی دو نهاد اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای، از روش تلفیقی کمی-کیفی تحلیل پوششی داده‌ها و فرایند تحلیل سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج نهایی این روش تلفیقی نشان از کارایی بالاتر سازمان همکاری شانگهای با توجه به ورودی‌های مساحت جغرافیایی، جمعیت نیروی کار، حجم تولید ناخالص داخلی و تورم و نیز حجم تجارت با جهان، درجه باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی به عنوان سه خروجی بوده است. اما اتحادیه اقتصادی اوراسیا وزن نهایی محسوس کمتری نسبت به سازمان همکاری شانگهای با توجه به این ورودی‌ها و خروجی‌ها کسب نموده است.

با توجه به نتیجه کسب شده، اعضای سازمان همکاری شانگهای با نهاده‌های تولید و وضعیت جاری اقتصاد خود در وضعیت بهتری نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرار گرفته‌اند. لذا به نظر تلاش و مذاکره ایران جهت پیوستن هر چه سریع‌تر به سازمان همکاری شانگهای فرصتی مناسب جهت بهبود وضعیت باز بودن تجاری و مالی این کشور به ویژه در شرایط تحریم‌های بلوک غرب خواهد بود.

جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که ورودی‌ها و خروجی‌های دیگری همچون سرمایه گذاری مشترک خارجی، شهرنشینی، سهم صنعت و خدمات از اقتصاد نیز مورد توجه قرار گیرد. استفاده از سایر روش‌های تصمیم‌گیری همچون تاپسیس و فرایند تحلیل شبکه‌ای نیز می‌تواند نتایج جدید دیگری به یافته‌های این تحقیق اضافه نماید.

پی‌نوشت

1. Mehrnews, 1397.

منابع

- محمدزاده راوندی، مهدی و حجت مهکویی (۱۳۹۷)، «جهانی شدن اقتصاد و ضرورت همگرایی اقتصادی منطقه‌ای ایران»: مطالعه موردی: سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳۵.
- میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴)، «اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۸(۳۲)، ۱۷۵-۱۴۳.
- Alfaro, L. (2005). "Inflation, Openness and Exchange Rate Regimes. The Quest for Short Term Commitment". *Journal of Development Economics*, No.77, pp. 229-249.
- Appleyard. D. R. and A. J. Field. (1995). *International Economy: Trade Theory and Policy*. Library of Congress: USA.- Bowles, P. (May 2002) "Asia's Post-Crisis Regionalism", *Review of International Political Economy*, Vol. 9, No. 2.
- Bahmani-Oskooee, M. and F. Niroomand (1999). *Openness and Economic Growth: An Empirical Investigation*. *Applied Economic Letters*, Vol.6, No.3, pp. 557-561.
- Barro, R. J., and Gordon. D. B. (1983). "A Positive Theory of Monetary Policy in a Natural Rate Model". *Journal of Political Economy*, Vol. 91, No. 4, pp. 589-610.
- Borio, C. E. V. and A. J. Filardo (2007). *Globalisation and Inflation: New Cross-Country Evidence on the Global Determinants of Domestic Inflation*. BIS Working Paper No. 227, May.
- Bowdler, C. (2003). *Openness and the Output Inflation Trade Off*. University of Oxford. www.estecom.feusp.br/index.php/article/viewpdfinternational
- Carniero, F. and J. Arbache (2003). *The Impact of Trade on Brazilian Labor Market: A CGE Model Approach*. *World Development*, Vol. 31, No. 9, pp. 1581-1595.
- Cooke, D. (2004). *Openness and Inflation*. www.eurojournals.com/ejefas8.pdf.
- Daniels, J. and D. D. Vanhoose (2004). *Openness, The Sacrifice Ratio and Inflation: Is There Puzzle?* http://business.baylor.edu/economics_papers/EWPS058.pdf.
- Green, F., A. Dickerson and J. Arbache (2001). *A Picture of Wage Inequality and Allocation of Labor Through a Period of Liberalization: The Case of Brazil*. *World Development*, Vol. 24, No. 11, pp. 1923-1939.
- بزرگی، وحید و میرعبداالله حسینی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم انداز آینده»، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳(۷)، ۲۷-۱.
- جلالی نائینی، احمدرضا و محمد محمدی (۱۳۷۵)، «صادرات و رشد اقتصادی، مجله پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۱، ۷۰-۳۸.
- جهانگرد، اسفندیار و حمید محبوب (۱۳۷۹)، «تأثیر تجارت خارجی بر تقاضای نیروی کار متخصص و غیرمتخصص ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۶ و ۴۷، ۱۵۴-۱۰۵.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و مرضیه سادات الوند (۱۳۸۷)، «ایران و سازمان همکاری شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳(۲): ۱۶۳-۱۹۴.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه علی بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی: یک الگوی خودهمبسته برداری برای اقتصاد ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شیراز.
- سلیمانی، بهزاد و کاظم یآوری (۱۳۸۳)، «سیاست تجاری و رشد اقتصادی: مورد کشورهای صادرکننده نفت»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۰، بهار ۸۳، ۶۸-۳۹.
- صامتی، مجید، محسن رئانی و محسن صادقی (۱۳۸۷)، «جهانی شدن و اشتغال: بررسی کشورهای منتخب آسه آن و ایران»، نامه مفید (نامه اقتصادی)، سال ۱۴، شماره ۶۶، ۹۰-۶۹.
- ضرغامی، مصطفی (۱۳۷۰)، «مقایسه نرخ رشد بلندمدت در دو ساختار مبتنی بر تجارت خارجی و بدون تجارت خارجی»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- طیب‌نیا، علی و رضوان زندیه (۱۳۸۸)، «اثرات فرایند جهانی شدن بر تورم در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۵۸، ۹۶-۵۳.
- فهادی، علیرضا (۱۳۸۳)، «بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۸۴، ۵۸-۲۷.
- کمیجانی، اکبر و صالح قویدل (۱۳۸۵)، «نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰، ۴۲-۱۳.
- کوشکی، محمدصادق و سیدمحمد حسینی (۱۳۹۶)، «فرصت‌ها و چالش‌های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۷(۳)، ۷۵۲-۷۳۷.

- Rogoff, E. (1985). "Can International Policy Coordination be Counterproductive"? *Journal of International Economics*, No. 18, pp.199- 217.
- Romer, P. (1986), "Increasing Return and Long Run Growth". *Journal of Political Economy*, No.94, pp. 1002-1037.
- Romer, D. (1993). Openness and Inflation: Theory and Evidence. *The Quarterly Journal of Economics*, No.4, pp. 864-903.
- Sachsida, A. , F. Godaro and P. R. A. Louriero (2003). Does Greater Trade Openness Reduce Inflation? Further Evidence Using Panel Data Techniques. *Economic Letters*, No.81, pp. 315-319.
- Stolper, W. F. and P. A. Samuelson. (1941). Protection and Real Wages. *The Review of Economic Studies*, Vol. 19, No.1, pp. 58-73.
- Terra, C. (1998). Openness and Inflation: A New Assessment. *The Quarterly Journal of Economics*, No.113, pp. 641-648.
- Yanikkaya, H. (2003). "Trade Openness and Economic Growth: A Cross Country Empirical Investigation". *Journal of Development Economics*, No.72, pp.57-89.
- Yan Lee, H., L. A. Ricci and R. Rigobon (2004). "Once Again, Is Openness Good for Growth?" *Journal of Development Economics*, No. 75, pp. 451-472.
- Young, A. (1991). Learning by Doing and Dynamic Effects of International Trade. *Quarterly Journal of Economics*, No. 106, pp. 369-405.
- Haouas, I., M. Yagoubi and A. Heshmati (2002). The Impact of Trade Liberalization on Employment and Wages in Tunisian Industries. Discussion Paper. <http://www.wider.unu.edu/publications/dps/dps2002>.
- Jaramillo, C. and J. Tover (2006). Trade and labor Markets: Evidence from The Colombian Trade Liberalization Process. <http://economia.uniandes.edu.co>
- Jin, C. J. (2006 b). "Openness, Growth, and Inflation: Evidence from South Korea Before the Economic Crisis". *Journal of Asian Economics*, No.17, pp.738-757.
- Katzenstein, Peter J. (1996) "Regionalism in Comparative Perspective", *Cooperation and Conflict*, Vol. 31, No.2.
- Levinsohn, J. (1999). "Employment Responses to International Liberalization in Chile". *Journal of International Economics*, No.47, pp.321-344.
- Loyd, P. J. and D. McLaren (2000). "Openness and Growth in East Asia Crisi"s. *Journal of Asian Economics*, pp. 89-105.
- Lucas, R. (1988). "On The Mechanics of Economic Development". *Journal of Monetary Economics*, Vol. 22, pp. 3-42.
- Mehrnews. (1397.02.31). اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصتی طلایی برای ایران URL:<https://www.mehrnews.com/news/4300868> (12.11.1397).
- Orbeta, A. C. (2002). Globalization and Employment: The Impact of Trade on Employment Level and Structure in the Philippines. <http://Unpan1.Un.org/intradoc/groups/public/Documents/Apcity/UNPAN005058.pdf>.